

اما و اگر های ادامه تمرکز بر ژانر کمدی؛

فیلم‌های کمدی، ۷۵ درصد از فروش سینمای ایران!

فروش سینمای ایران به ۹۳۵ میلیارد تومان رسیده است و آمارها نشان می‌دهد که ۷۵ درصد از این فروش معادل ۶۹۵ میلیارد تومان متعلق به فیلم‌های کمدی است. اما آیا این روند به نفع سینمای ایران است یا به ضرر آن؟



نیما رجبی

گروه فرهنگ و هنر - در

سال‌های پس از کرونا که خیلی‌ها معتقد بودند که سینما رفتن به عنوان یک تفریح جمعی، به طور کلی از بین خواهد رفت، «فیلم‌های کمدی» توانستند سینماها را در ایران نجات دهند و فروش گیشه را به چند برابر قبل ارتقا دهند. این فروش اعجاب‌انگیز فیلم‌های کمدی باعث شده است که در دو سال گذشته، سینماها کمتر مجاللی برای اکران فیلم‌هایی از ژانرهای دیگر پیدا کنند و ناخودآگاه سرمایه نیز به سمت کمدی‌ها سرازیر شده است؛ البته این روند کاملاً برعکس آن چیزی است که در شبکه نمایش خانگی شاهد آن هستیم، چرا که در دو سال اخیر، اکثر آثار مخاطب‌پسند VODها، در ژانر اجتماعی ساخته شده‌اند.

در این شرایط، بسیاری از کارشناسان سینمای ایران، فروش ۷۵ درصدی کمدی‌ها در سال جاری را

یک فرصت قلمداد می‌کنند و بسیاری از آن، به یک تهدید جدی برای کلیت سینمای ایران که به سینمای اجتماعی شناخته می‌شود، تعبیر می‌کنند.

تأثیرات مثبت بر صنعت سینما

برخی کارشناسان که به عدم دخالت دولت در گیشه سینماها اعتقاد دارند، معتقدند که تسلط کمدی بر سینما می‌تواند از جنبه‌های مختلفی مثبت باشد. افزایش فروش و درآمدزایی برای سینماها و سازندگان، رونق اقتصادی این هنر - صنعت را به دنبال دارد. همچنین، رشد این ژانر به دلیل تراکشن بالایی که دارد، می‌تواند به کشف استعدادهای جدید در زمینه کارگردانی، نویسندگی و...

نیاز مردم به شادی

شاید بتوان مهمترین و اصلی‌ترین دلیل اقبال عمومی به فیلم‌های کمدی را نیاز مردم به طنز و شادی در مواجهه با مشکلات روزمره اجتماعی دانست. سینما به عنوان محلی برای تفریح و فرار از دغدغه‌های زندگی، نقش مهمی در ایجاد روحیه مثبت در جامعه دارد. ضمن آنکه سینما همچنان یکی از تفریحات مقرون به صرفه جامعه به حساب می‌آید و شاید بسیاری ترجیح ندهند که همین تفریح اندک را به تماشای فیلم‌های اجتماعی یا

جدی در گونه‌هایی مانند اجتماعی، می‌تواند باعث کاهش کیفیت کلی سینما و نارضایتی بخش قابل توجهی از سینماورها شود. همچنین، احتمال تکراری شدن سوزها و افت خلاقیت در تولیدات کمدی نیز به وضوح به چشم می‌آید. در کنار این موضوعات، باید یادآور شد که سینمای ایران به تولیدات اجتماعی آن در جهان شناخته می‌شود و بعید نیست که با این به سمت آثار زیرزمینی برود که هر روز تولید آن‌ها گسترش پیدا می‌کند.

تأثیر بلندمدت بر فرهنگ و هنر

در کنار مسائلی که گفته شد، بسیاری معتقدند که چالش‌ها و تأثیرهای بلندمدت تک‌ژانری شدن سینما، بیش از تأثیر امروز آن است. به شکلی که این روند ممکن است بر فرهنگ و هنر جامعه تأثیر بگذارد. غفلت از مسائل اجتماعی، تاریخی و فلسفی در سینما می‌تواند به سطحی شدن فرهنگ عمومی در سالیان هنری بینجامد.

چالش‌ها و پیامدهای منفی احتمالی

با این حال، کارشناسان دیگر حوزه سینما که اکثر آن‌ها را تشکیل می‌دهند، از وضعیت فعلی برای آینده سینما ابراز نگرانی می‌کنند. آن‌ها معتقدند که تمرکز بیش از حد بر فیلم‌های کمدی ممکن است به کاهش تنوع ژانرها و تضعیف سایر بخش‌های سینما منجر شود؛ اتفاقی که در ماه‌های اخیر در سینمای ایران به چشم می‌آید و باعث شده است که تمام گونه‌های دیگر به غیر از کمدی، در کل ۲۵ درصد از فروش گیشه سینما را شامل شوند. کمبود آثار

همه این‌ها باعث می‌شود که سینما دیگر نتواند به عنوان آینه‌ای از جامعه، تنوع و عمق خود را حفظ کند.

از سوی دیگر، عدم توجه به ابعاد کیفی سینما و توجه صرف به جنبه سرگرمی آن، در نهایت موجب کاهش سطح جدی تولیدات نمایش خانگی، تلویزیون و حتی سطح کیفی دید هنری و فرهنگی مخاطب خواهد شد. **سیاست‌های حمایتی در ذیل چندپارگی تصمیمات نهادهای موازی!**

بدون شک، برای جلوگیری از پیامدهای منفی که می‌تواند تداوم تک‌ژانری شدن سینما داشته باشد، لازم است سیاست‌های حمایتی برای

برخی کارشناسان که به عدم دخالت دولت در گیشه سینماها اعتقاد دارند، معتقدند که تسلط کمدی بر سینما می‌تواند از جنبه‌های مختلفی مثبت باشد. افزایش فروش و درآمدزایی برای سینماها و سازندگان، رونق اقتصادی این هنر - صنعت را به دنبال دارد. همچنین، رشد این ژانر به دلیل تکراری شدن سوزها و افت خلاقیت در تولیدات کمدی نیز به وضوح به چشم می‌آید. در کنار این موضوعات، باید یادآور شد که سینمای ایران به تولیدات اجتماعی آن در جهان شناخته می‌شود و بعید نیست که با این به سمت آثار زیرزمینی برود که هر روز تولید آن‌ها گسترش پیدا می‌کند.

تولید و اکران فیلم‌های متنوع اعمال

شود. هر چند سینمای ایران نشان داده است که اتخاذ یک سیاست کلی برای آن به دلیل چندپارگی تصمیمات در نهادهای فرهنگی موازی، هیچ وقت کارآمد نیست و هر کس با توجه به سیاست‌های ارگانی خود، تصمیماتی به نفع خود را اتخاذ می‌کند. اما به نظر می‌رسد که لازم است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره جدید خود، ضمن هم‌فکری بنا نهادهای موازی فعال در حوزه سینما، برای هر یک نقشی در این مسیر در نظر بگیرد.

البته در این مسیر، چالش بزرگی پیش‌روی تصمیم‌گیران قرار دارد و آن هم ایجاد توازن بین تصمیمات حمایتی و اقتصاد بخش خصوصی است که می‌تواند یک شبهه بر باد برود و بخش دولتی در این موضوع تبحر خاصی دارد!

مشکل دیگر در مسیر ایجاد تعادل در حوزه سینما، وضعیت اکران است که با مخاطب به مثابه مشتری، سر و کار دارد. تولید بهترین فیلم‌ها در ژانرهای مختلف، در صورتیکه مخاطب به تماشای آن ترغیب نشود بی‌فایده است؛ کما اینکه در دو سال گذشته فیلم‌های خوبی در حوزه اجتماعی یا دفاع مقدس ساخته شد که فروش آن‌ها در مجموع معادل یک دهم هزینه تولیدشان هم نبوده است! در این مسیر، مشخص است که وزارت ارشاد اولاً نیاز دارد که دست سینماگران را برای تعریف سوزهای مخاطب‌پسندتر در حوزه اجتماعی، سیاسی، دفاع مقدس و حتی کمدی‌هایی که ۹۰ دقیقه آن پروپاگند و آواز نیس، بیشتر باز بگذارد و ثانیاً، نهادهایی مانند صدا و سیما، حوزه هنری، سازمان اوج و... را ترغیب کند که در کنارش قرار بگیرند.

خطرناک‌ترین شغل هالیوود؛

بدلکارانی که سر صحنه فیلمبرداری جان باختند

گروه فرهنگ و هنر - بدلکاری در سینما، پیشه‌ای مهیج و پرخطر و برای مخاطب جذاب است، اگر چه فیلم‌سازان هالیوود تلاش کرده‌اند ریسک حادثه برای این گروه از هنرپیشگان را کاهش دهند، اما فیلم‌هایی هم هستند که بدلکاران در سر صحنه دچار سانحه شده و جان خود را از دست داده‌اند.

بدل‌کار به شخصی گفته می‌شود که پیشه‌اش انجام کارهای نمایشی خطرناک در فیلم‌ها و نماهنگ‌ها به جای هنرپیشه یا شخصیت اصلی است؛ بدل‌کاری شامل کارهایی مانند پریدن از بالای دیوار، هواپیما و موتورهای خودروهای در حال حرکت، گاهی بازی کردن نقش کسبی که بدش در حال سوختن است، نمایش‌های ورزش رزمی و غیره می‌شود.

در اصل، شخص بدلکار آموزش دیده است تا هر آنچه را که می‌تواند خطری احتمالی برای بازیگر اصلی ایجاد کند یا انجام حرکتی (ACT) را که از هنرپیشه خارج باشد را به جای او انجام دهد. به معنای دیگر، خطر و ریسک بازیگر اصلی را، بدلکار به جان می‌خورد. البته به سبب مهارت و آموزش‌های حرفه‌ای، به ندرت حادثه‌ای مرگبار برای بدلکار پیش می‌آید، اما همیشه اینطور نبوده و متأسفانه بوهداند بدلکارانی که حین انجام حرکت و فیلمبرداری صحنه مورد نظر خود جان‌شان را از دست داده‌اند.

در ادامه نگاهی می‌اندازیم به برخی از آنها که بیشتر به سبب حوادثی و نه از فقدان مهارت خود، جان‌شان را از دست داده‌اند:

خوزه مارکو در سال ۱۹۶۹ هنگام فیلمبرداری یک سکانس زیر آب در فیلم کوسه در گذشت. او توسط یکی از کوسه‌ها که به میزان کافی آرام بخش به آن تزریق نشده بود، کشته شد. ای جی باکوناس در سال ۱۹۷۸ هنگام فیلمبرداری «فولاد» در گذشت. اگر چه او بدلکاری سقوط خود را درستی انجام داد، اما سکوی فرود او معیوب بود و به شدت با زمین برخورد کرد و یک روز بعد بر اثر جراحات جان باخت. جک تائیری در سال ۱۹۸۱ هنگام فیلمبرداری «شمشیر و جادوگر» در گذشت. تائیری هنگام انجام یک سقوط ۸۰ فوتی، روی کبسه هوای پایین فرود نیامد و بر اثر برخورد با زمین جان باخت.

پائولو ریگونی در سال ۱۹۸۱ هنگام فیلمبرداری یکی از فیلم‌های جیمز باند به نام «فقط بخاطر چشمان تو» در گذشت. او در صحنه تعقیب و گریز اسکی زیر سورتمه گیر کرد و جانش را از دست داد. جوزف لئونارد اسوک در سال ۱۹۸۲ سر صحنه فیلمبرداری «موارد درست» در گذشت. او قبل از اینکه بتواند خود را از هواپیما بیرون بیاورد سترش به بدنه داخلی هواپیما اصابت کرد و جانش را از دست داد.

کریس لامون در سال ۲۰۰۰ در تورنتو هنگام اجرای بدلکاری برای فیلم «زخم‌های خروج» در گذشت. او هنگام بیرون آمدن از یک ون وارونه ضربه به سرش خورد کرد و شش روز بعد بر اثر جراحات جان باخت. هری ال اوکاندر در سال ۲۰۰۲ هنگام اجرای بدلکاری برای فیلم «وین دیزل XXX» در گذشت. او یک نیروی دریایی بازنشسته بود که در حال کشیدن پاراگلایدر بود که به ستون پلی برخورد کرد و جان باخت.

لو پائینگ در سال ۲۰۰۸ بر اثر برخورد دو قایق با یکدیگر در هنگام ساخت فیلم «صخره سرخ» در چین، در آتش سوزی سر صحنه جان خود را از دست داد. کان لیو در سال ۲۰۱۲ در حین فیلمبرداری در بلغارستان در یک انفجار در صحنه فیلمبرداری "بی مصرف‌ها ۲" در گذشت. والدین او از Millenium Nu Image به دلیل مرگ وی بر اثر عدم استانداردهای صحنه شکایت کردند.

جان برنکر در ژوئیه ۲۰۱۷ پس از سقوط از بالکن ۲۵ فوتی هنگام فیلمبرداری فصل ۸ مردگان متحرک جان باخت. جوی هریس، مسابقه‌دهنده جاده موتورسیکلت و بدلکار، در آگوست ۲۰۱۷ در صحنه فیلمبرداری ددپول ۲ در ونکوور در حالی که نقش دو مینیوی زای بیتر را در یک صحنه موتورسیکلت در این فیلم کشته شد.

وارن اپلی، هماهنگ‌کننده بدلکاری در مجموعه‌های دی سی تایتان‌ها در جولای ۲۰۱۹ پس از اصابت قطعه‌ای از تجهیزات که به طور غیرمنتظره‌ای در حین آماده‌سازی برای فیلمبرداری در یک مرکز جلوه‌های ویژه خارج از سایت در ونکوور به سرش اصابت کرد، جان باخت.

زمان طلایی تشخیص

گروه هتل های تاپ تورز

هتل ویدا

هتل بزرگ گروه

021-8586 | www.ttgroup.ir | @Toptours_Group | ttgroup.ir

محک

مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان

همراه پوشش ماه اطلاع‌رسانی سرطان کودک

#طلایی_شو #GOGOLD

نصب اپلیکیشن

محک

مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان

کیشوندان عزیز - می‌توانند هر گونه مشاهده عرضه مواد غذایی فاسد یا تاریخ گذشته در فروشگاهها و مراکز عرضه مواد غذایی را به این شماره‌ها اعلام دارند ۱۹۰ - ۱۲۴ - ۴۴۴۲۳۳۱۱ - ۰۹۳۴۷۶۹۰

روابط عمومی مرکز بهداشت کیش